

انسان در برابر هجوم عوامل بسیار ناتوان و کم تشخیص است و هیچ علم و آگاهی نسبت به امور ندارد و نمی داند که تمام فشارهای وارده علتی دارند و بدون علت هیچ فشاری وارد نخواهد شد، فشارها یا بعلت کج راهی شخص است و چون راه انحرافی می رود برای ایست و یا برگشت از این نوع حرکتها دچار فشارهای ناخواسته می شود که در مجموع این نوع فشارها در صورت تشخیص شخص در آینده برای او بسیار خوش چهره خواهد بود.



بعضی از فشارها نیز حکم نیروی وارده در جهت حرکت روبه جلومی باشد و باعث خواهد شد شخص حرکت طولی انجام دهد، در مجموع شخص چون در جهت شناخت عوامل فشار و همچنین شناخت علت های فشار ناتوان است تنها ظاهر را درک و فهم می کند و در برابر فشارهای وارده

از خود تهاجم نشان می دهد و با تمام قوا سعی دارد فشار را پس زند درحالی که فشارها را نمی توان پس زد و یا آنکه خود را از دایره ی فشارها خارج نمود بلکه تنها راه، کنترل نمودن خود در برابر فشارهای وارده می باشد و چون شخص خود را کنترل کند در آینده لطف و مزیت فشارها را خواهد شناخت.

انسان بی تفکر همیشه نالان و خرده گیر می باشد.



انسان باید اهل تفکر و تجسس و شناخت عوامل باشد تا آنکه بر اساس منطق عدالتگر بتواند در برابر عوامل محرک آفرین بهترین تصمیمات را اتخاذ نماید، یعنی بهنگام بروز فشارها بداند که این عوامل جهت پاکسازی و هدایت است که بر او وارد می شود، پس هرگز خرده گیری خالق ننمائید شما باید در همه حال ستایشگر باشید

و بدانید که نتیجه ی فشارها ی وارده مثبت و به نفع شمامی باشد.



پس در مجموع ماندگاری و ادامه ی حرکت در مسیر الهی تنها مربوط است به میزان بینش و عملکردهای مثبت شما، تجسس در مورد دیگران عاملی است که بینش شما را منفی مینماید.

انسانها در طول زمان چون نتوانستند بینش مثبت و عملکردهای مثبت داشته باشند مرتباً برخدا و رسول خدا خرده گرفته اند در صورتی که تمام این ایرادها وصف حال خود آنها بوده است والا کلام حق در هیچ زمانی ناقص و دارای ضعف نبوده است .



ضعف و ناتوانی، شکست و نابودی خاص منفی نگری ها
و عملکردهای منفی می باشد، بینش و عملکرد منفی
هرچقدر هم که طولانی مدت باشد عاقبت فروخواهد
ریخت.